

مضامین کلیدی برنامه درسی ملی

قضیه تربیت يك ملت به این است که فرهنگ آن ملت فرهنگ صحیح باشد. شما کوشش کنید که فرهنگ را فرهنگ مستقل اسلامی درست کنید. « امام خمینی (ره)

تولید برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران بر اساس مبانی، ارزش‌ها و اهداف تربیت اسلامی و با استفاده از توانمندی‌های بومی و ملی و بهره‌برداری از تجربه‌های معتبر و موفق جهانی، در پاسخ به نیازها و مطالبات جامعه پویای ایران اسلامی، الگوی تازه‌ای از برنامه‌های درسی و تربیتی را ارائه می‌دهد و گامی مهم در راستای مستندسازی و کیفیت بخشی نظام تعلیم و تربیت کشور است.

تعریف برنامه درسی ملی:

برنامه درسی ملی سندی است که نقشه کلان برنامه درسی و چارچوب نظام برنامه‌ریزی درسی کشور را به منظور تحقق اهداف آموزش و پرورش نظام جمهوری اسلامی ایران تعیین و تبیین می‌نماید و موجب وحدت بخشیدن به کلیه اجزای برنامه‌ها و نو سازی و بازسازی برنامه‌های درسی و تربیتی مبتنی بر فلسفه ی تعلیم و تربیت در نظام جمهوری اسلامی و قانونمند شدن امور بر نامه ریزی درسی خواهد شد.

اهداف تولید برنامه درسی ملی

- 1- تعیین رویکرد و اهداف برنامه درسی در سطح نظام آموزشی، دوره‌های تحصیلی و حوزه‌های یادگیری؛
- 2- تعیین منطق، جهت‌گیری‌ها و ابعاد هر يك از حوزه‌های یادگیری؛

- 3- تعیین اصول، سیاست‌ها و فرایند طراحی و تدوین برنامه درسی؛

- 4- تعیین اصول، سیاست‌ها و فرایند اجرای برنامه درسی؛

- 5- تعیین اصول و سیاست‌های ناظر بر مواد و منابع آموزشی؛
6- تعیین ساختار، اصول، و فرایند ارزشیابی و اصلاح برنامه درسی؛

7- تعیین و تبیین نظام برنامه‌ریزی درسی کشور.

اجزاء و مولفه های برنامه ی درسی ملی هشت فصل به شرح زیر می باشند :

- 1- مبانی فلسفی و علمی 2- اهداف و الگوی هدف گذاری 3- ساختار
زمان و محتوا 4 - راهبردهای یاددهی-یادگیری 5- ارزش
شیبایی پیشرفت تحصیلی
- 6- فرایند تولید برنامه ها و مواد و رسانه های تربیتی 7- الزامات
و اقتضایات اجرایی 8- ارزشیابی برنامه ی درسی ملی و فرایند اصلاح

مبانی و اصول برنامه درسی ملی

- 1- مبانی هستی‌شناختی 2- مبانی انسان‌شناختی 3- مبانی
معرفت‌شناختی 4- مبانی ارزش‌شناختی 5- مبانی
دین‌شناسی 6- مبانی روان‌شناختی

7- مبانی جامعه‌شناختی 8- اصول عام حاکم بر برنامه‌های درسی و تربیتی

- مبانی هستی‌شناختی

نظام آفرینش وجودی مستقل نداشته، بلکه هویتی تعلقی به رب‌العالمین دارد؛

نظام آفرینش، «فعل» و «آیت» خداوند است؛

نظام آفرینش عرصه تربیت انسان است و مربی آن پروردگار متعال است؛
حیات اخروی و همه واقعیت‌های آن در مقایسه با حیات دنیوی نامحدود، پایان‌ناپذیر و جاودان است؛

نظام آفرینش به طبیعت خلاصه نمی‌شود؛

- مبانی انسان‌شناختی

انسان موجودی است مرکب از جسم و روح که به یکدیگر تنیده شده و در تعامل با یکدیگر می‌باشند؛

انسان فطرتی الهی دارد که قابل فعلیت یافتن و شکوفایی یا فراموش شدن است؛

انسان‌ها در نظام آفرینش از کرامت الهی و شأن یکسان برخوردار هستند؛

وجود انسان همواره در حال شدن، حرکت و دگرگونی است؛

انسان موجودی است که استعدادهاي متنوع، قابل رشد و تعالی مداوم دارد؛

انسان موجودی اجتماعی، تأثیرپذیر از جامعه و تأثیرگذار بر آن است

هویت انسان، برابند نوع ارتباط او با خویشتن، خدا، خلق و خلقت است؛

انسان برای توفیق در روند تحول و ارتقاء هویت خویش نیازمند هدایت الهی است؛

انسان موجودی مکلف است و نسبت به تکالیف خود، اصالتاً در برابر خداوند و به تبع آن در برابر دیگران مسئولیت دارد؛

انسان در نظام آفرینش برای طی هر مرتبه از کمال، نیازمند به مربی است؛

موانع اصلی حرکت متعالی انسان عبارت‌اند از: نفس اماره، دنیاطلبی و شیطان.

- مبانی معرفت‌شناختی

منابع شناخت آدمی متعدد است و شامل وحی (قرآن و عترت)، عقل، قلب، تجربه (جامعه، تاریخ و طبیعت) است؛

تعقل در شناخت حقیقت هستی و کسب سعادت جاوید نقش محوری دارد؛

شناخت آدمي با موانعي از قبيل پيروي از هواي نفس، التزام به عادات و سنت هاي غلط نياکان، خودباختگي در برابر بزرگان و قدرت ها و نيز محدوديت هايي چون ميزان ظرفيت و توان فرد و ناتواني عقل نسبت به درك بخشي از حقايق هستي همراه است. ابزار شناخت و معرفت عبارت اند از: حواس، خيال، فکر، عقل، شهود و مکاشفه (قلب). شايدان ذکر است که در اين ميان، تفکر و تعقل نقش اساسي در شناخت حقيقت هستي و سعادت جاويد دارد؛
تحصيل معرفت محدوديت زماني ندارد.

مباني ارزش شناختي

دين (عقل و فطرت، قرآن و سنت) منبع همه ارزش هاست و ساير ارزش ها از آن کسب اعتبار مي کنند؛
سلسله مراتب ارزش ها با غايت زندگي (حيات طيبه) ارتباط دارند؛
اهم مصاديق ارزش ها

الف. ارزش هاي مرتبط با خدا:

توحيد، قرب الي الله، عبوديت و حيات طيبه در رأس همه ارزش هاست و مصداق حقيقي غايت زندگي انسان است؛
عبادت آگاهانه و پرستش عاشقانه خداوند متعال، نقش اساسي در رشد و تعالي انسان دارد.

ب. ارزش هاي مرتبط با خود (جسمي، رواني و روحي):

عمل مبتني بر ايمان و تفکر؛
کسب روزي حلال؛
حفظ و ارتقاء سلامت و بهداشت فردي؛
برخورداري از حيا و عفت، آراستگي ظاهري و پوشيدن لباس مناسب؛
فعاليت و تلاش و پرهيز از بطالت و بيکاري؛

پرهیز از اسراف و زیاده خواهی؛

پایبندی به احکام شرعی به ویژه انجام واجبات و ترك محرمات.

ج. ارزش‌های مرتبط با خلق (خانواده، جامعه و کشور، امت اسلامی و جامعه جهانی):

احترام، احسان و مهرورزی به والدین و اعضای خانواده؛

مشورت و بهره‌گیری از تجارب بزرگان و سالخوردگان؛

توجه به حقوق همسر و فرزندان.

ترجیح منافع جمعی بر منافع فردی و منافع ملی بر منافع حزبی و گروهی؛

احترام به قانون و قانون‌مداری بر مبنای قانون اساسی؛

رأفت، احسان و خدمات عام‌المنفعه و ماندگار؛

باور و التزام عملی به ولایت فقیه به عنوان ادامه‌دهنده راه انبیا؛

وطن‌دوستی، ایثارگری، فداکاری و شهادت‌طلبی در جهت حفظ ارزش‌های الهی و کیان جمهوری اسلامی ایران؛

وحدت و همبستگی بین مسلمانان؛

دفاع از مسلمانان تحت ستم و کمک و یاری آنان در حدّ توان؛

احترام به ادیان الهی و تقویت روابط انسانی با پیروان آنها؛

گسترش مبانی ارزش‌های اسلامی به ویژه عدالت و فضایل اخلاقی و معنوی در جهان؛

ترویج انتظار ظهور حضرت مهدی (عج) در جهت ایجاد حکومت عدل جهانی؛

د) ارزش‌های مربوط به خلقت:

احساس مسئولیت در برابر پدیده‌های خلقت و همکاری در حفاظت از زمین، گیاهان و

جانوران (اعم از خشکی و دریا) و حفظ تعادل در آب و هوا؛

نگاه به طبیعت به عنوان مخلوقات و امانت الهی و کتاب معرفت؛

کشف قابلیت‌های طبیعت و بهره‌برداری عاقلانه و مسئولانه از منابع و مواهب طبیعی؛

توجه به استمرار و جاودانگی حیات انسان بعد از مرگ و تأثیر سازنده آن در زندگی انسان.

مبانی دین‌شناختی

اسلام، راه و روش زندگی بر مبنای دستورهای الهی است که مبتنی بر عقل، قرآن، سنت و عترت پیامبر علیهم‌السلام است و در جهت درک مراتبی از عبودیت الهی در راستای حیات طیبه به بشریت ارائه شده است؛

اسلام دینی است جهانی، اجتماعی و همه‌جانبه‌نگر که بر اساس اجتهاد روش‌مند و پویا برنامه زندگی انسان را متناسب با شرایط زمان و مکان در همه شرایط ترسیم می‌کند؛ اسلام به دنبال تربیت افرادی متفکر، مؤمن، عالم، عامل، مؤدب و دارای اخلاق کریمه است؛

اسلام جهت هدایت فرد و جامعه در ابعاد عقلانی، معنوی، اجتماعی، عاطفی، اخلاقی، اقتصادی، سیاسی، علمی و عملی، به دنبال تقویت روحیه مسئولیت‌پذیری در برابر خدا است؛

مبانی روان‌شناختی

فرایندهای شناختی، از عملکرد ساده حواس پنج‌گانه ظاهری آغاز شده و به دریافت و استنتاج پیچیده انتزاعی و عقلانی می‌رسد؛

رشد اخلاقی حاصل تعامل عوامل متعددی نظیر تفکر و تعقل، ایمان، علم و عمل، به ویژه تلاش‌های خودسازی درونی است؛

متربی از زمان تولد تا لحظه مرگ در حال تغییر و دگرگونی است و در طول زندگی خود، از مراحل مختلف تغییرات جسمی، شناختی، عقلانی، عاطفی، ایمانی، اخلاقی و عملکردی عبور می‌کند. برنامه درسی باید ضمن لحاظ کردن این تغییرات، فرایند رشد متربی را در ابعاد مختلف تسهیل بخشد؛

علائق و نیازهای متربیان و محدوده اهداف تعلیم و تربیت در دوره‌های مختلف تحصیلی متفاوت است؛

متربیان در جریان رشد، نیازمند راهنمایی و مشاوره‌اند؛

متربیان برای یادگیری هر موضوعی نیازمند رسیدن به سن رشد خاصی‌اند؛

انگیزش‌های درونی و بیرونی به موقع، موجب تقویت زمینه رشد متربیان خواهد شد؛
رشد، محصول تربیت است؛

م مبانی جامعه‌شناختی

انسان محکوم و تابع تغییرات اجتماعی نیست؛ بلکه در موقعیت خویش و در بحران‌های اجتماعی، از امکان و توان لازم جهت هدایت و دخل و تصرف در مؤلفه‌های تحولات اجتماعی برخوردار است؛

تربیت افرادی جامعه‌پذیر و اصلاح هنجارهای نامطلوب در جامعه از جمله اهداف برنامه‌های درسی است؛

جامعه ایران (شهری، روستایی و عشایری) علاوه بر این‌که فرهنگ مشترکی دارد، از خرده‌فرهنگ‌های مختلفی نیز تشکیل شده است، برنامه درسی در برخورد با فرهنگ ملی و خرده فرهنگ‌ها باید نقش فعال، وحدت‌گرا و تعالی‌بخشی ایفا کند، همچنین پاسخگوی نیازهای متنوع اجتماعی باشد؛

نهاد تعلیم و تربیت، مهم‌ترین بخش فرهنگ است و با سایر نهادها در ارتباط متقابل می‌باشد و وظیفه دارد ضمن پاسخ‌گویی به نیازهای جامعه و مطالبات اجتماعی رسالت تربیتی خود را به درستی ایفا کند؛

نهاد خانواده شریک اصلی مدرسه در طراحی و اجرای برنامه درسی است؛ خانواده مسئولیت‌پذیری خود را در تربیت فرزند باید پذیرا باشد و نقش خود را در این خصوص به خوبی ایفا نماید.

زمینه‌سازی برای کسب شایستگی‌ها توسط آحاد جامعه، عامل رشد اجتماعی است؛ هم‌سویی جامعه با برنامه درسی ملی موجبات توسعه و تعالی جامعه را فراهم می‌کند؛

رویکرد بر نامه ی درسی ملی :

رویکرد بر نامه درسی ملی اتخاذ شده از مبانی آن است که ریشه در جهان بینی اسلام دارد. به عبارتی "فطرت گرای توحیدی" که حاکمیت آن در بر نامه ی درسی ملی به معنای زمینه سازی لازم و مناسب جهت شکوفایی فطرت الهی انسان به منظور دستیابی به مراتبی از نفس مطمئنه از طریق درک و استفاده ی مطلوب از موقعیت در راستای تحقق حیات طیبه است. که البته این رویکرد نگاه جامع وکاملی هم در رشد ابعاد جسمانی و روحانی مد نظر دارد.

اصول حاکم بر طراحی، اجرا و ارزش یابی برنامه های درسی و تربیتی :

در سند بر نامه ي درسي ملي 8 بند تنظيم گر ديده است :

اصل دين محوري: كه حاكميت مباني و ارزشهاي ناب محمدي (ص) بر تمامي اصول، اهداف و محتواي برنامه ها مي باشد

اصل تقويت هويت ملي: بر نامه هاي درسي و تربيتي بايد زمينه ارتقاي هويت ملي از طريق توجه و تقويت باورها و ارزش هاي اسلامي، فرهنگ و تمدن اسلام، زبان و ادبيات فارسي، انقلاب اسلامي، ميهن دوستي، استقلال ملي و انسجام اسلامي را فراهم آورد.

اصل اعتبار نقش محوري معلم و مربي: ايجاد زمينه هاي لازم براي ارتقاي صلاحيت هاي اخلاقي، علمي و حرفه اي معلمان و مربيان با توجه به نقش محوري معلم، جهت غني سازي محيط تربيتي و يادگيري و فعال سازي مترابي در فرايند يادگيري

اصل جامعيت: بر نامه درسي و تربيتي بايد به كليۀ نيازهاي كنوني و آينده مترابي و جامعۀ در سطوح مختلف (محلي، ملي و جهاني) و در عرصه هاي فرهنگي، اقتصادي و..... در راستاي سند چشم انداز و سياست هاي مصوب با استفاده از تجارب ملي و جهاني به گونه اي جامع و متعادل توجه كند.

اصل توجه به تفاوت ها: توجه و انعطاف لازم در تفاوت هاي محيطي، جنسيتي و فردي مترابي.

اصل توازن و تناسب: بر نامه هاي درسي و تربيتي بايد به پرهيز از افراط و تفریط و رعایت تعادل و بهره گیری از روش ها و ابزار هاي مختلف در طراحي، توليد، اجرا و ارزش يابي برنامه ها پايبند باشد.

اصل خود يادگيري مادام العمر: بر نامه درسي و تربيتي بايد توان، انگيزش و زمينه هاي لازم را جهت خود يادگيري و خود سازي مادام العمر براي مترابي و معلمان فراهم كند.

اصل مشاركت و تعامل: فرايند برنامه ريزي درسي و تربيتي بايد زمينه مشاركت موثر همه عناصر موثر در مدارس و ساير نهادهاي فرهنگي، علمي و تربيتي و..... را در طراحي، توليد، اجرا و ارزش يابي برنامه ها فراهم نمايد.

اهداف بر چه اساسي تدوين شده اند؟

در سند بر نامه ي درسي ملي مواردی به عنوان مبنای تعیین اهداف در نظر گرفته شده اند که بتوانند راه را برای رسیدن به هدف غایی تعلیم و تربیت هموارتر کنند و مربی را در آن جهت پیش ببرند. لذا در تحصیل پیش نیازهای رسیدن به هدف غایی، عناصر و عرصه های شناسایی و در الگویی سازماندهی شده اند.

فردی که به مراتبی از حیات طیبه می رسد باید دارای ویژگی های (هم در شخصیت و هم در عملکرد) باشد. این ویژگی ها عبارتند از: تفکر، ایمان، علم، عمل و اخلاق. که محوری ترین آن ها تفکر و تعقل است. که فرد تربیت یافته با داشتن این پنج ویژگی در رفتار و عملکرد او و درموضع گوناگون و در چهار عرصه ارتباط او با خدا، با خود، با خلق و با خلقت که محوری ترین آن ها را بطه با خداست بروز و ظهور کند.

جایگاه محتوا در بر نامه ي درسي ملي :

محتوای بر نامه ي درسي در بین عناصر و مولفه های نظام آموزشی از جایگاه خاصی برخوردار است. از طریق محتوا است که نظام آموزشی با شخصیت متر بیان مرتبط و آثار گوناگونی در روح و روان آنان بر جای می گذارد. از آن جایی که محتوا محملی برای دستیابی به اهداف بر نامه است، در هر يك از سطوح اهداف، محتوا مفهوم خاص خود را پیدا می کند. در بر نامه درس سند ملي، اصول، سیاست ها و گستره ي کلی محتوا مشخص شده و در حقیقت حامل محوری محتوا، معلم و مربی است و نقش کتاب و رسانه های آموزشی و... ابزار و زمینه بر ای ایفای نقش معلم و مربی است.

محتوای بر نامه درسي ملي از سه سر فصل به شرح زیر تشکیل شده است :

**** اصول انتخاب و سازماندهی محتوا**

****صلاحیت ها و یادگیری های مشترک**

****حوزه های یادگیری**

اصول حاکم بر انتخاب و سازماندهی محتوا در برنامه درسی ملی : 1-
درونی سازی 2- ارتباط چند وجهی و یادگیری یکپارچه 3- اولویت صلاحیت ها
و یادگیری های مشترک 4- تنوع و تعدد منابع ، روش ها و فرصت های یادگیری
5- درهم تنیدگی 6- اهمیت 7- اعتبار 8- علاقه 9- سودمندی 10- قابلیت
یادگیری 11- ارتقای آستانه ی قابلیت اجرا 12- توانایی

پیام های اساسی اصول مذکوربرای برنامه ریزان ، مولفان و مربیان :

الف-پرهیز از دیدگاه برنامه ریزی موضوع محور

ب- پرداختن به اهداف کلی برنامه ، بویژه اهداف مشترک

ج- کاهش حجم محتوای موضوعی به منظور ایجاد فرصت برای فعالیت ، تامل و
یادگیری تربیتی

د-توسعه ی محیط ، فرصت ها و منابع یادگیری

اهداف حوزه های یادگیری:

اهدافی است که یکایک برنامه های درسی و تربیتی و فعالیت های آموزشی و پرورشی بر
اساس اهداف تفصیلی و در جهت دستیابی به آنها، با توجه به نیازها و شرایط
متفاوت حوزه های یادگیری مختلف، مربیان، امکانات، اقتضایات منطقه ای و بومی
تعیین می شود.

الگوی هدف گذاری، چارچوب مفهومی منسجم و یکپارچه‌ای است که در تدوین اهداف در سطوح مختلف، راهنمای عمل برنامه ریزان و مجریان قرار می گیرد. اهداف در این مدل با توجه به رویکرد شکوفایی فطرت شامل پنج عنصر: تعقل، ایمان، علم، عمل و اخلاق و چهار عرصه ارتباط متربی با خود، خدا، خلق و خلقت است که با محوریت ارتباط با خدا تعریف، تبیین و تدوین می‌شوند.

حوزه‌های یادگیری شامل یادگیری‌های ضروری بوده و در یازده حوزه پیش‌بینی شده‌اند.

حوزه های یادگیری در بر نامه درسی ملی :

با ظهورسطحی از برنامه ریزی به نام برنامه درسی ملی،مفا هیم جدیدی وارد ادبیات رشته ی بر نامه ریزی درسی شد.

حوزه های یادگیری بستر اصلی برای تسهیل فر ایند تعلیم و تر بیت جهت دستیابی به اهداف برنامه ی درسی ملی می با شدند. هریک از حوزه های یادگیری گستره و محدوده ی دانش،مهارت ها نگرشهاو ارزشهای مرتبط با یادگیری متربیان پیش دبستان تا پایان دوره ی متوسطه را تو صیف می کنند. این حوزه ها حدود محتوایی و روش ها و فر ایند ها و عنا صر کلیدی یادگیر ی را روشن می سازند .

حوزه های یادگیری دربر نامه درسی ملی ایران شامل یادگیری های ضروری بوده ودر حال حاضر 11 حوزه پیش بینی شده اند که عبارتند از:

تفکر و حکمت – قرآن و معارف اسلامی - زبان و ادبیات فارسی- فرهنگ و هنر - کار و فنا وری- آداب و مهارت های زندگی- سلامت و تربیت بدنی- علوم انسانی و مطالعات اجتماعی- ریاضیات- علوم تجربی - زبان های خارجی

سه حوزه ی تفکر و حکمت،کار و فنا وری و مهارتهای زندگی ما هیتی دو وجهی داشته و هم به صورت بین رشته ای و تلفیق در سایر حوزه های یادگیری وهم به صورت مستقل با آموزش های خاص می تو انند دنبال شوند . متر بیان در حوزه ها

و درس هاي مختلف با تفكر ددر آن حوزه آشنا خو اهند شد و مهارت هاي فني و غير فني پايه ي كار را كسب خو اهند كرد و با آداب و مهارت هاي زندگي آشنا مي شوند .

ضرورت و اهميت:

برنامه درسي ملي با ارائه يك الكوي جديد هدف گذاري شامل پنج عنصر(تفكر و تعقل، ايمان، علم، عمل و اخلاق) در چهار عرصه ارتباطي متربي(با خود، خدا، خلق، خلقت) اقتضائات كاملا جديدي را براي مؤلفه هاي برنامه درسي (رويکرد، محتوا، راهبردهاي ياددهي و يادگيري، ارزشيابي،...) و برنامه آموزشي ايجاد مي كند. لذا به تأكيد سند تحول راهبردي نظام آموزش و پرورش، همراهي و همكاري فرهنگيان بخش اجتناب ناپذيري از استلزامات اصلي اجراي موفقيت آميز برنامه هاي تحول آفرين خواهد بود. ضرورت هاي آموزش هاي توجيهي معلمين، شامل موارد زير مي باشد.

1. ضرورت آشنائي با برنامه درسي ملي : سند برنامه درسي ملي نقشه كلان برنامه درسي و چارچوب نظام برنامه ريزي درسي کشور را تعيين مي كند لذا آشنائي اجمالي فرهنگيان با اين سند زمينه را براي نشر ارزش ها و ادبيات خاص اين سند فراهم کرده و حساسيت جامعه فرهنگي را نسبت به اجراي اين سند افزايش خواهد داد.

2. ضرورت يکپارچه سازي فهم از ادبيات تحول برنامه درسي: برنامه درسي ملي نقشه راهنماي انتقال ايده ها و مفاهيم اصيل تحولي به محتواي آموزشي مي باشد. نشر اين مفاهيم نيازمند بحث و تبادل نظر در ميان معلمين مي باشد تا جامعه فرهنگي کشور به يك فهم مشترك از ادبيات برنامه درسي برسند.

3. ضرورت توجيه تغييرات مفاهيم و محتواي پايه: بر اساس برنامه درسي ملي درجريان تدوين محتواي آموزشي و تربيتي پايه اول ابتدائي تلاش شده تا با رعايت اصول مدنظر برنامه، محتواي آموزشي پايه در تمامي حوزه هاي يادگيري به معيارهاي برنامه نزديك شوند، و راهبردهاي ياددهي و يادگيري نيز به تناسب ميزان تغييرات محتوا با خواسته هاي سند هماهنگ گردد. لذا شايسته است مؤلفين و برنامه ريزان

محتواهاي آموزشي به تعامل با معلمين در اين زمينه پرداخته و به درك مشتركى نسبت به اين تغييرات برسند و فرصت هاي مناسب يادگيري را براي متريبيان خودشان فراهم نمايند.

4. ضرورت پوشش تمامي حوزه هاي يادگيري: اسناد تحولي به جريان تربيت نگاه يك پارچه داشته و اين امر در تنظيم محتواي آموزشي نيز مورد تاكيد قرار گرفته است. لذا بايد برنامه درسي پايه به صورت هماهنگ و يكپارچه به معلمين اين پايه عرضه گرديده و برنامه آموزشي به صورت يك كل به نظر معلمين پايه رسانده شود.

5. ضرورت بازآموزي روش هاي ياددهي-يادگيري: سهم مهمي از تحول آموزشي، تحول در روش هاي ياددهي-يادگيري مي باشد. علي رغم اين مهم، آخرين دوره برگزارشده بسياري از دروس پايه اول مربوط به سالها پيش بوده و باتوجه به تغييرات معلمين پايه اول، اجراي اين برنامه ها فرصت ذي قيمتي است تا روش هاي آموزشي بازبيني شده و معلمين از آخرين مباحث در اين حوزه اطلاع يابند.